



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

مبارزه با فقر کودکان و حمایت‌های اقتصادی از آنان در فقه و کنوانسیون حقوق کودک

الهام طوسیان^۱، علی پورقصاب امیری^{۲*}، علیرضا جهانگیری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در نظرات فقها حمایت‌های مادی از کودکان تأکید زیادی دارد. حمایت از ایتمام و کودکان تنگدست و نیز وظایف پدر و مادر در قبال کودکان گواهی بر اهمیت مبارزه با فقر کودکان در فقه می‌باشد. در دیدگاه فقه، پرداخت نفقه فرزند برعهده پدر است. پدر به‌عنوان سرپرست خانواده موظف است به افراد خانواده نفقه پرداخت کند. تهیه مسکن، خوراک و غیره از جمله مواردی است که پدر باید در قبال فرزندش انجام دهد. هدف اصلی این پژوهش چگونگی مبارزه با فقر کودکان و حمایت‌های اقتصادی از آنان در فقه و کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت از کودکان به نوان افرادی که نیازمند حمایت بقیه اقدار جامعه همواره مورد تأکید عرف و قانون بوده است. فقر و مبارزه با آن مسئله‌ای است که سراسر جهان درگیر آن است.

نتیجه: در کنوانسیون حقوق کودک نیز کودکان حق دارند از سطح مناسب زندگی برای رشد جسمی، ذهنی و غیره برخوردار شوند. هم‌چنین جلوگیری از استثمار اقتصادی کودکان و هر شغلی که برای آنان زیان‌بار باشد و یا موجب توقف در تحصیل آن‌ها شود یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی اطفال مضر باشد، از وظایف دولت‌ها است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۹-۲۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

مبارزه، فقر، فقه، کنوانسیون حقوق کودک.

نویسنده مسئول:

علی پورقصاب امیری

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه حقوق بین‌الملل عمومی.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

aliamiri20@yahoo.com

۱. مقدمه

کودکان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر شرایط گوناگون محیطی و اجتماعی م باشند که به دلیل ضعف نسبی قوای جسمانی و فکری نسبت به بزرگسالان در معرض انواع خشونت‌های جسمی و روحی و نیز طیف گسترده‌ای از محرومیت قرار دارند این امر سبب پیدایش کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد در حوزه حقوق بین‌الملل به‌منظور اعمال رفتارهای حمایتی کشورهای جهان از این قشر آسیب‌پذیر در برابر جرائم و محرومیت‌ها گردیده است. بیشترین تضييع حقوق کودکان در زمینه‌هایی همچون محرومیت از بهره‌مندی از آموزش‌های ابتدایی مهارت‌های اساسی و پایه‌ای زندگی و نیز عدم توجه به وضعیت کودکان در پی ایجاد مخاصمات مسلحانه در سطح داخلی و بین‌المللی روی می‌دهد.

کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک؛ اصلی‌ترین منبع بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان است. این کنوانسیون، کامل‌ترین سند مربوط به حقوق کودکان است که تا کنون تدوین شده است و اولین سندی است که این حقوق را در عرصه بین‌المللی به صورتی لازم‌الاجرا مطرح کرده است. بیشتر کشورهای جهان به آن ملحق شده‌اند. ایران نیز به موجب ماده واحده الحاق اجازه دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است. برابر این ماده واحده، مشروط به آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد. الحاق مزبور از حیث حقوقی نادرست بوده و قابل پذیرش نیست و به لحاظ مبهم و کلی بودن، مغایرت با هدف و مقصود

کنوانسیون و مخالفت با حقوق بین‌الملل خلاف مقتضای اهداف و اصول بین‌المللی و حقوق بشری مندرج در آن در ارتباط با حقوق کودک بوده و نیز به منزله نقض اصل برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی محسوب گشته و با اعتراضات گسترده بین‌المللی نیز همراه بوده است (m. d. a, freeman, (1983), 78).

در رابطه با مبارزه با فقر حکومت‌های عضو کنوانسیون، اقدام‌های ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می‌آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. لذا در این تحقیق با این سوال و چالش اساسی روبرو هستیم که مبارزه با فقر و حمایت اقتصادی از کودکان در فقه، حقوق ایران، کنوانسیون حقوق کودک چه تدابیری اندیشیده‌اند؟ که به نظر می‌رسد نظام‌های حقوقی مذکور پیش اقداماتی هرچند ناقص در حمایت از کودکان در این زمینه انجام داده‌اند. جمله حکومت‌ها برای تحقق مفاد این عهدنامه، با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز، بین‌المللی استفاده می‌کنند.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی می‌باشد و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

والدین به‌عنوان مهم‌ترین حامیان کودکان بر اساس این کنوانسیون وظایف، حقوق و مسئولیت‌های والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می‌نمایند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این کنوانسیون کوتاهی نشود. به ترتیبی که گذشت، کودکان طلاق و اختلافات خانوادگی، عمدتاً، قربانی تصمیمات یک‌سویه پدر و مادر و خانواده‌های خویش و تصمیمات غیر کارشناسی دادگاه‌ها در تعیین تکلیف سرنوشت آن‌ها، بدون هرگونه جلب نظر یا تمایل آن‌ها می‌باشند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت از کودکان به‌عنوان افرادی که نیازمند حمایت بقیه اقدار جامعه همواره مورد تأکید عرف و قانون بوده است. مسئله فقر و مبارزه با آن نیز از جمله مباحثی است که کودکان زیادی در سراسر جهان دچار این معضل هستند.

۵. بحث

۵-۱. مبارزه با فقر کودکان و حمایت‌های اقتصادی از آنان در فقه

در طبقه‌بندی کلی، قوانین به قوانین الهی و انسانی تقسیم می‌شوند. قوانین بشری فاقد جامعیت لازم است که به همین دلیل انسان به‌طور کامل درک نمی‌شود و نمی‌تواند تمام جنبه‌های روحی و روانی انسان را در نظر بگیرد. در نتیجه این حقوق اغلب تغییر می‌کنند و تکامل می‌یابند. بنابراین تغییر دیدگاه در تعیین حقوق بشر و رعایت قوانین انسانی بسیار مشکوک است. از آنجا که هر نوع تدبیری برای انسان مستلزم شناخت همه‌جانبه وسعت و پیچیدگی‌های آن است و این امر جز با کمک آیات قرآن امکان‌پذیر

نیست، همه ترکیبات و تألیفات ناقص و ناکافی است؛ مگر آن‌که در عالم وحی است الله تعالی در این باره می‌فرماید: «عقل حکم می‌کند که حق واجب الاتباع است و انسان باید از آن پیروی کند و به همین دلیل کسی هم که انسان را به‌سوی حق هدایت کند نیز واجب الاتباع است، چون پیروی از هادی به حق، عین پیروی از حق است و با تکیه بر همین مقدمه از مشرکان می‌پرسد آیا شما در میان شرکایی که برای خدا گرفته‌اید، معبودی را سراغ دارید که شما را به‌سوی حق راهنمایی و دلالت کند؟ مسلماً مشرکان جوابشان منفی خواهد بود؛ چون شرکای آن‌ها چه از بت‌ها و جمادات باشند و چه فرشتگان و ارباب انواع و اجنه و طاغوت‌هایی چون نمروذ و فرعون و امثال آن‌ها، هیچ‌یک اصولاً خودشان برحق نیستند که بخواهند دیگران را به حق راهنمایی کنند و هیچ‌یک برای خودشان هم مالک هیچ نفع و ضرر و مرگ و حیات و نشوری نیستند. لذا خدای متعال به پیامبرش دستوری می‌دهد که در جواب بگوید فقط خداست که هر مخلوقی را بسوی مقاصد وجودیش هدایت می‌کند و اوست که موجودات را آفریده است.

بنابراین مهم است که قانون‌گذاران و مدافعان حقوق بشر برای برقراری عدالت و احقاق حقوق مردم فقط از قوانین خدا پیروی کنند که با قوانین دین اسلام و قرآن ارتباط نزدیک دارد. از دوران کودکی انسان، قرآن برای پدر و مادر و سپس دولت کارهای سختی انجام داده است تا به مردم فردی سالم، مفید و مثمر ثمر بدهد، تا سال ۲۰۰۰ در هیچ کشوری قانون هماهنگی وجود نداشت. در قرآن سطحی برای کودکان در مورد حقوق کودکان وجود ندارد، تقسیمات زیادی ذکر شده است و انواع مختلفی دارد،

احترام و حق پدران ایشان حفظ شده است و هم کرامت فرزند خوانده رعایت گردیده است. **ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (احزاب / ۵).** آن پسر خوانده‌ها را به نام پدرانشان بخوانید که آن کار نزد خدا دادگرانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادشده‌گانتان هستند و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده اید، هیچ گناهی بر شما نیست؛ ولیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به‌عمد (قصد) می‌کند (مسئولید) و خدا بسیار آمرزنده و مهربور است. قرآن کودک را فردی دارای کرامت می‌داند و نه تنها به‌خاطر شفقت و بی‌عدالتی‌های بی‌شمارش؛ بلکه به این دلیل که کودک نیز انسان است، با کودک صحبت می‌کند. انسان مانند هیچ کس آینده را می‌بیند و به آن توجه می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۵۸).

حق حیات، از حقوق اساسی؛ بلکه اساسی‌ترین حق انسان است که سرمایه اصلی وی و موهبت بزرگ الهی برای اوست. در قرآن از دو حیات انسانی یاد شده است: حیات جسمانی و حیات معنوی و روحی؛ اما آنچه در این نوشته بدان نظر داریم همان حیات جسمانی است. حق حیات در قرآن به گونه‌ای بسیار جدی مطرح شده است تا آنجا که شاید در میان حقوق، حقی به این اندازه مهم تلقی نشده باشد.

۵-۱-۲. حق حیات در اسناد بین‌المللی

در اسناد مربوط به حقوق کودک، ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک به گونه‌ای تثبیت شده است که در آن

مانند حق حیات، اندیشه، تحصیل، اخلاق، تفکر، فرهنگ، معنویت، پول و غیره. به همین ترتیب (لباف، ۱۳۸۶: ۳۰) اما به طور خلاصه می‌توان آنها را به دو گروه جسمانی و معنوی تقسیم کرد. حق حیات، حق شیردهی، حق شهرت، حق ثروت و تأمین آینده کودک از حقوق مادی است. آزادی معنوی نیز شامل این سه جنبه است: حق رهبری (دعا کردن، استغفار و توبه، توجه به دین و طرز فکر صحیح) (حق آموزش) مشاوره و بشارت، مسئولیت‌پذیری، ارتقای تجربه و تدریس، آزادی اندیشه، عشق و احترام، اعتماد و گفت‌وگو، مراقبت و شفقت که به‌دلیل کمبود وقت به برخی از آنها در کتاب جهانی خواهیم پرداخت. اعلامیه انسانی آزادی و کودک با تأکید تربیت می‌شود. در قانون مجازات اسلامی به‌منظور رعایت حق حیات فرزند متولد نشده، مجازات یا مجازات زن باردار تا پایان بارداری معلق شده است. علاوه بر این، قانون مجازات اسلامی سقط جنین را به این معنا ممنوع کرده و مجازات مالی در نظر گرفته شده است.

۵-۱-۱. حق حیات در قرآن

قرآن مجید، حق زندگی را محترم می‌داند و در جهت جلوگیری از تجاوز به زندگی انسان‌ها و ریخته شدن خون ناحق قدم برداشته است. زیربنای بحث‌های قرآن در مورد انسان و از جمله کودک، کرامت انسان است. در آیه **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْوَجْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ لَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء / ۷۰).** به این امر تأکید شده است. برای نمونه، وقتی پیرامون فرزند خواندگی بحث می‌کند، چنین می‌گوید که باید آنان را به نام پدران خودشان بخوانید و اگر نام پدران ایشان را ندانستید، آنان را برادران دینی بدانید. بر اساس این آیه هم

استطاعت به پرداخت نفقه است. زیرا چیز دیگری شرط نیست، مانند شرایط عمومی خدمت یا فقیر بودن مسلمان؛ بلکه نفقه نزدیکی از مال صغیر یا دیوانه واجب است؛ هر چند نفقه‌کننده مسلمان بزرگ و حکیم باشد (زینالی، ۱۴۰۱، ۵۸).

برخی از نویسندگان دلیل این فتوا را اجرای ادله کلی فریضه انفاق می‌دانند که شامل صغیر و کبیر و مجنون و غیر مجنون است (مهرا، ۱۴۰۰، ۷۵).

در شرع نیز آمده است که شخصی که تقاضای نفقه اقارب می‌کند در هر حال مسئولیت دارد (همان، ۵)؛ ولی این اصل ثبوت و جوب است. سایر تعهدات که جنبه مالی دارد، بستگی به توانایی شخص خرج‌کننده برای اظهار دارد در این موارد، تکلیف خرج بر عهده امین یا اولیای دم نیز می‌باشد، زیرا این تکلیف بر عهده آنان است. قیومیت یا قیمومیت؛ اما در مقابل شرط انجام این وظیفه، فرصت‌های مالی وجود دارد. از این رو، اگر دیوانه ثروتمند و دارای فرزندان فقیر باشد، اصل مسئولیت تأمین نتیجه او و ولی یا قیم او مستحق حمایت از مکلفین از ترکه دیوانه است. حمایت کند (موسوی بجنوردی و حسینی، ۱۳۹۰، ۱۲). بر این اساس، توانایی مطالبه نفقه از اموال صغیر یا بیمار روانی به اقارب او از مسئولیت این حکم نمی‌کاهد و توانایی ولی یا ولی در مطالبه نفقه برای شخصی که آن را به او می‌دهد یا دارای مسئولیت مالی است مسئولیت این حکم را ساقط نمی‌کند. در صورتی که از پرداخت نفقه امتناع ورزد مرتکب جرم شده است؛ ولی نه خود او و نه دیگری مسئول نیستند و ماهیت حکم مقیدکننده است و نیست. به عبارت دیگر، قابلیت مطالبه غرامت وجود دارد. اموال صغیر یا بیمار روانی، اموال اوست که در آنجا این تعهد را

اشاره‌ای به آغاز کودکی نشده است. آن‌ها نمی‌خواستند در مورد سقط جنین و سایر مسائل دوران بارداری که ممکن است مانع از تصویب جهانی کنوانسیون شود، موضعی اتخاذ کنند. راه‌حلی انعطاف‌پذیر در نظر گرفته و قوانین داخلی و ملی را در انتخاب (زمان) آغاز کودکی باز می‌گذارند (ریچاردس، ۲۰۱۴، ۳). در تبصره ۲ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوص بهره‌مند شوند. در ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق زندگی برای هر کودک ارزشمند است و این حق توسط همه کشورهای عضو کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است. دولت آرژانتین به صراحت گفته است که ماده ۱ کنوانسیون به معنای هر کودکی از تولد تا ۱۸ سالگی است. این دیدگاه در واقع منعکس‌کننده قانون مدنی آرژانتین است که تصریح می‌کند که وجود و زندگی انسان از لحظه لقاح در رحم زن آغاز می‌شود و همه می‌توانند قبل از تولد برخی از حقوق را کسب کنند. توجیه او این بود که کودک موجودی کوچک، بی دفاع و رقت‌انگیز است و به خاطر غم و اندوه و ناپختگی جسمانی‌اش حق خود را به کودک داد. به عنوان مثال در ورودی کنفرانس قرار می‌گیرد (اسعدی: ۱۴۰۰: ۲۰۸) و سلامت روانی وی، قبل و بعد از تولد نیاز به حمایت قانونی ویژه داشت.

۵-۱-۳. نفقه کودک در فقه

برخی از فقها به حق و تکلیف بودن نفقه اقارب از جمله فرزند اعتقاد دارند.

بدین ترتیب در صورتی که انفاق‌کننده صغیر یا مجنون باشد ولی یا قیم صغیر یا مجنون مکلف به پرداخت نفقه از مال او به احراز حق صدور و پرداخت نفقه

نیاز مصرف‌کننده و حق نفقه برای گرفتن نفقه برقرار می‌شود (موسوی بجنوردی و حسینی، ۱۳۸۵، ۳۳).

مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی در صورت حیات پدر، نفقه اولاد به عهده پدر است و در نبود پدر یا عدم استطاعت مالی پدر به عهده پدر بزرگ (و اجداد پدری اولاد) می‌باشد. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم توانایی آن‌ها به پرداخت مخارج زندگی فرزند، تکلیف پرداخت نفقه به عهده مادر قرار می‌گیرد. هرگاه مادر هم فوت نماید یا قادر به پرداخت مخارج مذکور برای فرزندش نباشد این تکلیف به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری فرزند قرار می‌گیرد. نکته مهم آن‌که حتی اگر حضانت کودک به عهده مادر باشد نیز پرداخت نفقه فرزند به عهده پدر است.

در شرع و قانون سن معینی برای نفقه فرزندان در نظر گرفته نشده است و عرفاً مادام که اولاد دارای شغل و درآمد مشخص نباشد، پدر نسبت به پرداخت نفقه مسئولیت دارد. نکته مهمی که باید به آن توجه شود، این است که در زمینه مسائل خانوادگی و تنظیم روابط زن و شوهر و حضانت و تربیت فرزند، نمی‌توان از قانون، دستگاه قضایی و نهادهای مسئول انتظار داشت تا به تنهایی جواب‌گوی تمامی مسائل و مشکلات باشند و در زمینه مسائل خانوادگی کارآیی قانون نسبی است.

۵-۱-۴. احترام به حقوق ایتمام

در آموزه‌های قرآن افزون بر احکام حقوقی، احکام اخلاقی در قالب بایسته‌ها و شایسته‌های اخلاقی در راستای تکریم و احترام یتیمان بیان شده است. مراعات این احکام بر همگان لازم و واجب است؛ زیرا

انجام می‌دهد (و همچنین سایر تعهدات اقتصادی مانند مسئولیت پرداخت) (درگاهی، ۱۳۹۴، ۳۵).

به گفته وی، حمایت از همسر در واقع فقط یک حکم مهم نیست؛ بلکه به معنای داشتن مال برای اثبات نفقه اقارب است. مصرف و کمبود و نیاز به مصرف هست، حق مصرف برای گیرنده نفقه برقرار است. به عبارت دیگر نفقه نسبی حق نفقه‌گیرنده است که به مال میت اختصاص یافته و در هر حال پرداخت آن واجب است. در صورتی که مصرف دارای شرایط عمومی وجوب باشد، این وجوب (یعنی پرداخت نفقه) بر او لازم است و اگر شرایط وجوب را نداشته باشد، این وجوب بر عهده شخص قیم یا قیم او می‌باشد و وظیفه او این تعهد را از محل ملک در مقابل مولی انجام دهد (اراکی، ۱۳۸۴، ۳۳).

بدین ترتیب اگر شخص مکلف به پرداخت نفقه اقارب خود از دادن نفقه امتناع کند؛ حتی در صورت نیاز به مراجعه به دادگاه، حتی اگر اجبار او به وصول نفقه غیر ممکن باشد، راه دارد. برای اجبار این شخص به پرداخت نفقه قرار می‌گیرد. در صورت داشتن مال، مستحق نفقه می‌تواند با اذن حاکم تا مقدار نفقه خود از مال خود بگیرد و الا با اذن حاکم می‌تواند از قرض دهنده وام بگیرد. و روزی او را تأمین کنند (زهدی، ۱۳۹۱، ۱۱۲). به نظر می‌رسد از دیدگاه بسیاری از حقوق‌دانان اصل نفقه نسبی چیزی جز الزام به پرداخت آن نیست و تحقق آن مستلزم شرایط الزامی است و این امر تنها با مراجعه به دادگاه و کسب اذن حاکم امکان‌پذیر است. برای انعقاد عقد ممکن است بدهی به قرض‌گیرنده باشد؛ اما نفقه نسبی از نظر برخی از فقها حکم خالص نیست؛ بلکه بر اساس فرض اثبات شرایط نفقه است. یعنی وجود مصرف‌کننده و

عنوان برترین نماد بندگی در برابر خدا، به تکریم و مراقبت از یتیمان می‌پردازند. در حقیقت مراقبت از نماز، زمینه‌ساز احترام یتیم و رسیدگی به امور آنان است؛ زیرا چنین افرادی هم‌چنان که مراقب اوقات نماز و انجام بندگی هستند و هیچ کوتاهی و سهوی در آن ندارند، هم‌چنین مراقب اوضاع یتیم و برآوردن نیازهای او هستند و هیچ‌گونه کوتاهی و سهو در انجام این مسئولیت اجتماعی ندارند؛ این در حالی است که بی‌نمازها از هر گونه مراقبت دست برداشته‌است و حتی به اهانت و راندن یتیمان و تحقیر آنان می‌پردازند (ماعون/ ۲-۵).

باید توجه داشت خدا انسان را همواره در ابتلا و آزمون قرار می‌دهد (عنکبوت/ ۲-۳؛ بقره/ ۱۵۵). از جمله ابزار ابتلاء و فتنه الهی، ایتم هستند تا دانسته شود، مردم با ایشان چگونه تعامل می‌کنند. در حقیقت ایتم وسیله آزمایش خداوند از ثروتمندان نسبت به اکرام آنان است (فجر/ ۱۵-۱۷). تکریم یتیمان باید در قالب انواع رفتارها و کارهای خیر و نیک انجام گیرد. پس نیک گفتاری و پرهیز از تحقیر و تمسخر کلامی آنان و هم‌چنین نیک‌کرداری و نیکوکاری از جمله رویه‌هایی است که تکریم یتیمان با آن تحقق می‌یابد. از نظر قرآن لازم است تا برخورد نیک با یتیمان هنگام بهره‌مند ساختن آنان از ارث انجام شود؛ در حقیقت با بهره‌مندسازی آنان به مالی از میت، نیکوکاری را نسبت به آنان انجام داده و آنان را این‌گونه تکریم کند (نساء/ ۸). هم‌چنین در همین راستا لازم است تا با رعایت ادب در گفتار تکریم را نسبت به یتیمان به نمایش گذاشت و سخنی جز به استواری و زیبایی نگفت و فصاحت و بلاغت را مراعات کرد (نساء/ ۸-۹). گفتنی است قول معروف در آیه ۹

در تعاملات اجتماعی با یتیم تنها خویشاوند یا وصی و قیم با او درگیر نیست؛ بلکه کسانی دیگر نیز به اشکال گوناگون در روابط با او نیازمند حفظ حرمت‌ها و تکریم یتیمان هستند. در آیات قرآن بارها و به اشکال گوناگون بر وجوب و لزوم بها دادن به شخصیت ایتم توجه داده شده است. از نظر قرآن لازم است تا در تعاملات اجتماعی، شخصیت یتیمان صیانت شود و هیچ‌گونه تعرض و تعریضی نسبت به آنان روا داشته نشود؛ بلکه بر همگان است تا یتیمان را مورد احترام و اکرام قرار داده و شخصیت آنان را صیانت کنند (فجر/ ۱۶-۱۷). باید توجه داشت که گرفتاری کسی به مصیبتی چون از دست دادن پدر به معنای اهانت و خواری او نیست و نمی‌بایست فقدان پدر را به عنوان اهانت ارزیابی کرد و نسبت به این افراد تحقیرآمیز رفتار کرد و از تکریم آنان غافل ماند؛ بلکه کرامت انسانی که ذاتی هر کسی است باید مراعات شود. درباره یتیم مسلمان به سبب وجود کرامت اکتسابی اسلام باید این تکریم افزایش و تشدید شود. بر اساس آیات سوره فجر، ترک اکرام یتیم، سبب کم شدن روزی انسان در دنیا و گرفتاری به غذایی بی‌نظیر در قیامت می‌شود که کسی دیگر از صاحبان گناهان دیگر به آن مبتلا نمی‌شود؛ در حقیقت برای این نوع گناه غذایی خاص است که برای دیگر گناهان نیست؛ بنابراین باید انسان مراقب باشد تا چنین رفتاری را در پیش نگیرد (فجر/ ۱۶، ۱۷، ۲۵).

از نظر قرآن، تکریم واقعی و حقیقی نسبت به یتیمان همواره از سوی کسانی خواهد بود که به خدا و آخرت و حسابرسی آن اعتقاد داشته و با اعمال نیک خویش از جمله مواظبت و مراقبت دائمی نسبت به نماز، به-

اما پس از انقلاب فرانسه، اقتدار پدر و شوهر و قدرت پدرسالاری به تدریج اقتباس شد (طاهری و قنبری، ۱۳۸۹، ۷۲۵).

ماده ۲۴ کنوانسیون درباره موضوع حفظ سلامت و مراقبت از کودکان گفت: هر کودکی حق دارد از بهترین سلامتی و استفاده از خدمات پزشکی بهره‌مند شود و دولت باید به حفظ سلامت کودکان و تامین وسایل مناسب توجه بیشتری داشته باشد. اطلاعاتی برای کنترل جمعیت آینده و میزان مرگ و میر از سوی دیگر، هر کودکی حق دارد در سطح اقتصادی لازم برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی و اجتماعی زندگی کند. تأمین زندگی کودک در سطح کمک های خانواده و دولت مستقر نیز موظف به کمک های مادی (پرداخت حقوق فرزندان) به خانواده ها در این شرایط است (اشاره به ماده ۲۷ کنوانسیون). قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴ بر اساس ماده ۱ این قانون و بر اساس آموزه های عالی دین مبین اسلام به منظور حفظ حیثیت و حقوق اجتماعی زنان و کودکان بی سرپرست به تصویب رسید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اجرای برخی از اصول و پیامدهای فقر در جامعه اسلامی از حمایت های این قانون برخوردار خواهد بود. کودکان بدون سرپرست به کودکانی گفته می شود که به دلایلی مراقبت از کودکان را تا حداقل سن مقرر در قانون کار (۱۵ سال ۷۹ و ۸۰ قانون کار) از دست داده اند و از دختران مراقبت می کنند. آن هم تا زمان ازدواج؛ مگر اینکه تحت نظر باشید یا به نحوی توان مالی پیدا کنید. حمایت های ارائه شده توسط این قانون عبارتند از:

سوره نساء به معنای گفتاری است که شرعا و عرفا پسندیده باشد که از آن به گفتار مؤدبانه نیز تعبیر می شود (طوسی، ۱۴۱۸ ج ۳ - ۴، ۲۶۸). از نظر قرآن، کمک کننده به یتیم، در زمره نیکوکاران خواهد بود و از برکات مقام محسنان بهره مند می شود (بقره/۱۷۷). البته واژه برّ به نوعی احسان فراگیر و گسترده اشاره دارد که بیانگر دریادلی شخص و گشاده دستی است به طوری که همگان از خیرات و نیکی هایش بهره مند می شوند.

۵-۲. مبارزه با فقر کودکان و حمایت اقتصادی از آنان در کنوانسیون حقوق کودک

ماده اول کنوانسیون در تعریف کودک می گوید که: «طفل مانند هر انسان دیگر به کسی اطلاق می شود که کمتر از هیجده سال داشته باشد؛ مگر آنکه قانون ملی هر کشوری، اهلیت قانون زودرسی را در نظر گرفته باشد» و ماده سوم کنوانسیون در این خصوص اضافه می کند که: «هرگونه تصمیمی راجع به طفل باید با توجه به رعایت منافع عالی او بوده و دولت باید حمایت و مراقبت های لازم را از طفل به هنگام عدم توانایی والدین یا افراد مسئول به عمل بیاورند.» (فرهادیان، ۱۳۸۷، ۲۵۶).

حال بیاید ببینیم که بر اساس قوانین ایران چه کسی مسئول پرداخت نفقه کودک است. طبق ماده ۱۱۹۹ ق.م.ن.فقه در درجه اول قبل یا بعد از طلاق به عهده پدر است. در صورت داشتن اموال شخصی، نفقه فرزند توسط پدر یا ولی یا وصی او پرداخت می شود. باید توجه کرد که حقوق خانواده در ایران تحت تأثیر آموزه پدرسالاری بود که از قرن ششم در روم و فرانسه تحت تأثیر آداب و رسوم آلمانی وجود داشت،

خود را به کار می‌گیرند تا فرآیند آموزش در مدارس شایسته کرامت انسانی و مطابق با محتوای این کنوانسیون باشد. دولت از همکاری‌های بین‌المللی در زمینه آموزش و به‌ویژه هدف حذف قدردانی می‌کند. کنترل بی‌سوادی و گسترش فناوری و دانش.

کشورهای متعاقد:

(الف) تقویت و شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودک.

(ب) احترام و نگرانی نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کودک به رسمیت شناخته شده توسط سازمان ملل متحد.

(ج) از طرف والدین، هویت فرهنگی با زبان پدری و فرهنگ کشور، موجب علاقه و توجه و احترام به فرهنگ کشورهای دیگر می‌شود.

(د) آمادگی کودک برای حیات در یک جامعه آزاد مبتنی بر درک متقابل، صلح، مدارا با مخالفان و دیگران، برابری زن و مرد، دوستی بین مردم و گروه‌های مذهبی قومی یا ملی.

برای افزایش علاقه کودک به محیط، طبیعت، توجه «صفایی و امامی، ۱۳۹۷، ۷۸». افزون‌براین، در برخی چیزها افراط و تفریط مشاهده می‌شود به‌عنوان مثال، ماده ۷ به نفع کودک اشاره می‌کند که انجام هرگونه فعالیت مربوط به کودک اعم از دولتی، خصوصی، اداری و غیره...» به همین ترتیب، افراط در برخی موارد مشاهده شد. به‌عنوان مثال، در ماده ۷ مربوط به مصلحت کودک، انجام هرگونه اقدام مرتبط با کودک به هر نحوی، اعم از عمومی، خصوصی، اداری و یا غیر از آن، با رعایت مصلحت و مراقبت از

کمک‌های مالی به‌صورت ابزار و امکانات خودیاری یا تدارکات پولی و غیر نقدی به صورت چرخشی یا مستمر.

- حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله ارائه خدمات از قبیل خدمات آموزشی، سازمانی، کاربایی. آموزش فنی و حرفه‌ای که باعث ایجاد شغل، مشاوره و خدماتی می‌شود که به حل مشکلات زندگی، ایجاد دلایل ازدواج و تشکیل خانواده کمک می‌کند (بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۵۸).

- نگهداری از زنان یتیم و سال‌خورده در مراکز شبانه‌روزی یا تحویل و نگهداری بیست‌وچهار ساعته آن کودکان و زنان به افراد ذی‌صلاح (ماده ۴ قانون درآمد).

مشاهده شد که این قانون با شرایط اجرایی خود کمک قابل توجهی به یتیمان رها شده توسط والدین پس از طلاق و بدون تمکن مالی برای سرپرستان آنها می‌کند. این قانون هنوز اجرایی نشده است.

۳-۵. حقوق کودک در کنوانسیون حقوق کودک

مورد حقوق کودک، قرآن کریم به‌طور کامل و کامل حقوق کودک را بیان کرده، جنبه‌های مادی و معنوی حقوق را برجسته کرده، به‌جای حقوق مادی، به حقوق اخلاقی و اخلاقی پرداخته است، کنوانسیون در بحث آموزش و پرورش شکست خورده است. حقوق اخلاقی و در اصل ۴۹ فقط اشاره‌های کلی و گذرا به حق تحصیل و اهداف آموزش در اصل ۴۱ شده است که این دو مورد عبارت‌اند از: ماده ۴۹ (حق تحصیل). دولت حق تحصیل کودکان را به رسمیت می‌شناسد. کشورهای عضو کنوانسیون تمام تلاش

چنین تعریف می‌کند: «از نظر این کنوانسیون، کودک به شخصی زیر هجده سال اطلاق می‌شود؛ مگر این که سن بلوغ طبق قوانین مربوط به آن کمتر تعیین شود (همان، ۸۸). طبق کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد زیر هجده سال کودک محسوب می‌شود. این تعریف به پایان کودکی اشاره دارد؛ اما آغاز کودکی نیست؛ زیرا کودکی از زمان تولد انسان آغاز می‌شود. لکن از نظر قرآن، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه بوده و انتهای آن از ابتدای بلوغ می‌باشد؛ زیرا هر فرد انسانی از لحظه انعقاد نطفه از حقوق خاص برخوردار می‌گردد که نمی‌توان آن‌ها یاد می‌کند: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (سوره مومنون/ ۱۲).

«و به یقین انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم سپس او را (به صورت) نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را (به صورت) مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه (جنین را در) آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. نکته دیگر اینکه کنوانسیون انتهای کودکی را تمام شدن هجده سال می‌داند (عباچی، ۱۳۸۴، ۲۱۰) درحالی که قرآن انتهای کودکی را بلوغ می‌داند.

(وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور/۵۹) «و هنگامی که کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، باید برای ورود به

کودک اشاره شده است. سلامتی کودک بر سایر امور اولویت دارد (طاهری، ۱۳۸۹، ۲۱۱). قرآن بینش جهانی دارد؛ زیرا دارای حقوق و تکالیف انباشته است. یعنی از نظر حقوق کودک، وظایفی که بر عهده او گذاشته شده است. مثلاً در سوره نور وظایفی را برای کودک در رعایت حقوق والدین مطرح می‌کند؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ أَى «: (الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (سوره نور/ ۵۸، ۵۹). ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست که بدون رخصت وارد شوند. چراکه برخی از شما بر گرد برخی (دیگر) از شما می‌چرخید. این گونه خداوند آیات را بر تو نازل می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. و چون فرزندان شما به بلوغ رسیدند، آنان نیز به حجره پدر و مادر خود وارد می‌شوند، همان گونه که آنان (بزرگسالان) پیش از آنان اجازه داده‌اند. در زمان کنگره این گونه است. خداوند آیات خود را بر تو نازل می‌کند و خداوند دانا است و در تکلیف فرزندان بحثی نیست. ثالثاً: ماده ۱ کنوانسیون «کودک» را

متعارف بدهید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست.

کنوانسیون به این جزئیات بسیار مهم مانند حق کودک اشاره نکرده است و یا اگر ذکر می‌کند، مانند حق نام، کلی است و هیچ راه و شکلی ارائه نمی‌دهد. ماده ۷، هر طفل از بدو تولد حق دارد نامی داشته باشد که باید در دفاتر مربوط ثبت شود. او هم‌چنین حق دارد که تابعیت داشته باشد و در صورت امکان پدر و مادر خود را بشناسد و از آن‌ها مراقبت کند. ماده ۸، کشورهای عضو کنوانسیون موظف‌اند به حقوق کودک احترام بگذارند و از هویت شخصی، ملیت، نام و روابط خانوادگی کودک که طبق قانون شناخته شده است حمایت کنند (aries, p, 152, (1962)).

ششم: با توجه به اینکه قرارداد فقط مشتمل بر ۵۴ ماده است. البته برخی از این مواد مربوط به پیدایش، اجرا، امضاء، نگهداری و ... قرارداد می‌باشد. این در مورد است. بحث نشان می‌دهد که این توافق از ویژگی جامع لازم برخوردار نیست. و کاستی‌ها و ایرادات زیادی دارد (m. d. a, freeman, 1983, 78). درواقع به فراخور اهمیت بحث می‌توان رویکردهای ویژه‌ای در زمینه حقوق کودک در نظام-های مختلف حقوقی از یکسو و رهاوردهای جامعه بین‌الملل از سوی دیگر را واکاوی کرد. این واقعیت که به صورت نوشته و نانوشته حقوقی برای کودک در هر جامعه مشخص شده است امری غیر قابل انکار می‌باشد؛ اما گاه تفسیر و کم و کیف این حقوق می‌تواند خود منشأ تفاوت‌هایی در زمینه حقوق در خصوص کودکان محسوب گردد. نظام حقوق ایران که به تاسی از فقه امامیه تدوین، تنظیم و تصویب

خانه شما اجازه بگیرند. چنان که مردان و زنانی که پیش از آنان بالغ شدند، اجازه می‌خواستند. خداوند احکام دین خود را که از نشانه‌های اوست، این گونه برای شما به روشنی بیان می‌کند. و خداوند به احکامی که مورد نیاز شما است دانا است و آنچه برای شما مقرر می‌دارد براساس حکمت اوست». قرآن حتی به جزئیات حقوق هم اشاره کرده است. نمونه، حق شیرخوارگی و حق اسم برای کودک را به طور مفصل چنین شرح می‌دهد: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ تَكْلَفًا نَفْسٍ إِلَّا وَوَسْعَهَا لَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ وَبَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره/ ۲۳۳)

و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند. البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به

شده است؛ حقوق مشخصی را برای کودک در نظر گرفته است که می‌توان این دسته از حقوق را در پیکره نظام حقوقی بین‌الملل نیز مشاهده نمود.

۶. نتیجه

درنهایت با توجه به موارد مطرح شده می‌توان این-گونه نتیجه‌گیری کرد: در کنوانسیون حمایت از کودکان، کشورهای امضاکننده حق کودک متهم به ارتکاب جرم را برای دریافت مراقبت ویژه برای ارتقای ارزش‌ها و منزلت شخصی کودک به رسمیت شناخته‌اند و این حق با هدف تقویت احترام و احترام است. برای حقوق بشر آزادی برای فرد اساسی است. برای رسیدن به این هدف باید به کودکان فرصت داد تا زندگی اجتماعی خود را ادامه دهند.

با توجه به آنچه در متن و در سرفصل‌ها در زمینه حقوق کودکان در کنوانسیون و در فقه اسلامی و به-تبع آن در حقوق مدنی ایران بیان شد باید اذعان داشت این حقوق؛ برخی با تفاوت و برخی هم‌راستا با اسناد بین‌المللی و کنوانسیون مزبور، سعی نموده حقوق طفل را احراز و تأکید بر رعایت آن کند. بنابراین همانطور که به کرات نیز بیان شد، حقوق کودک در گفتمان‌های تئوریک و لفافی‌های تقنینی به غایت مورد توجه است. این در حالی است که چالش بزرگ قرن را می‌توان سقط جنین؛ کودک سرباز؛ کودک همسر؛ کودکان کار و محروم از آموزش؛ حتی در کشورهایی از جمله در ایران اسلامی محروم از لوازم جانبی تحصیل (لپ‌تاپ)، عنوان کرد.

باین حال به عنوان ماحصل بحث می‌توان در مقام تطبیق حقوق کودک در اسناد بین‌المللی و فقه امامیه و حقوق ایران مواردی را بیان کرد. درواقع به

فراخور اهمیت بحث می‌توان رویکردهای ویژه‌ای در زمینه حقوق کودک در نظام‌های مختلف حقوقی از یک سو و رهاوردهای جامعه بین‌الملل از سوی دیگر را واکاوی کرد. این واقعیت که به صورت نوشته و نانوخته حقوقی برای کودک در هر جامعه مشخص شده است امری غیر قابل انکار می‌باشد. اما گاه تفسیر و کم و کیف این حقوق می‌تواند خود منشأ تفاوت‌هایی در زمینه حقوق در خصوص کودکان محسوب گردد. نظام حقوق ایران که به تأسی از فقه امامیه تدوین، تنظیم و تصویب شده است؛ حقوق مشخصی را برای کودک در نظر گرفته است که می‌توان این دسته از حقوق را در پیکره نظام حقوقی بین‌الملل نیز مشاهده نمود. باین حال می‌توان تفاوت‌های محرز نیز در این زمینه مشاهده نمود. بنابراین طبق قانون مدنی که از نظر مشهور در فقه پیروی کرده است، پسر در ۱۵ سالگی و دختر در ۹ سالگی بالغ می‌شوند و کودکی را پشت سر می‌گذارند. در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که این حکم را مقرر کرده است که بارها مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است چراکه بعد از رسیدن به بلوغ در صورتی که شخصی مجنون یا سفیه نباشد می‌تواند اداره اموال خود را برعهده گیرد. بنابراین دختر ۹ ساله عملاً به موجب قوانین فعلی می‌تواند به ادار اموال خود بپردازد، معامله کند و شرکت تأسیس کند و در صورتی که مرتکب جرمی شود مجازات شود. در نتیجه بین او و دیگران هیچ تفاوتی از نظر مسئولیت کیفری و مدنی نخواهد بود. این در حالی است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به صراحت ملاک عینی سن را بر مبنای ۱۸ سال تمام گذاشته‌اند. با مطالعه می‌توان منشأ دغدغه حقوق‌دانان ایرانی را طبیعی در نظر بگیریم، چرا که حتی در فقه اربعه (حنفیه، مالکیه، حنبلیه و

تضمین‌کننده آینده کودک است، حقی که قرآن در بسیاری از موارد بدون اینکه به نقض حقوق فکر کند، آن را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که قرآن قبل از هرگونه تخلفی آن‌ها را مطرح کرده است و این یکی از ویژگی‌های الهی آن است؛ اما حقوق کودک در جلسه‌ای مطرح شد که موارد بسیاری از نقض حقوق کودکان در دنیا دیده شد. این نشان دهنده برتری و کامل بودن قرآن بر قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک است وقتی که اساس دین و مدرسه الهی باشد (ذاریات/۵۶)، تمام درس‌ها و مشکلات آن نیز گرفته می‌شود. رنگ شراب اگر به مبحث تعلیم و تربیت در قرآن دقت کنید خواهیم دید که قرآن و احادیث ائمه از نظر آموزشی کامل‌تر از قبل است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

شافعی) سن ۹ سال و ۱۵ سال ملاک قرار نگرفته است. به هر حال همان‌طور که در متن نیز اشاره شد سن برای اطفال یکی از مصادیق پر مناقشه در حقوق ایران است که هنوز در حقوق کیفری و مدنی نتوانسته به‌صورت کامل خود را به استانداردهای حقوق بین‌الملل مرتبط سازد. از جمله حقوقی که در خصوص کودکان می‌توان برشمرد و هم کنوانسیون و هم فقه و نیز در قانون مدنی بدان پرداخته‌اند؛ حق حیات می‌باشد. در حقوق ایران به پیروی از فقه حق حیات را از زمان انعقاد نطفه حقی برای شخص در نظر گرفته است. حتی در قوانین حقوق مدنی نیز حقوقی از جمله مالکیت برای نطفه انعقادی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که در کنوانسیون و اسناد بین‌المللی اگرچه حق حیات طفل مورد نظر می‌باشد؛ اما انعطاف یا مسامحه مرتبط به زمان آغاز آن، به نظر می‌رسد در زمینه سقط جنین که می‌تواند حق حیات را مد نظر قرار دهد، اظهار نظری نشده است. هم‌چنین می‌توان از حقوق حقه‌ای که در اسلام بیان شد و در کنوانسیون هم بدان توجه شده و حق ثبت به عنوان علمی نوین و حق نسب به‌عنوان موضوعی مهم در فقه اسلامی اشاره کرد که هم در کنوانسیون و هم در اسلام و به‌تبع آن در حقوق ایران بدان پرداخته شده است و از اهمیت آن همان بس که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است.

در هر صورت اصول و موازین شناخته‌شده بین‌المللی بر حوزه حقوق بین‌الملل حاکم است و علاوه بر این، نقض حقوق کودکان را نمی‌توان و نباید امری عادی دانست و نقض آن عواقب اخلاقی آن را به‌دنبال خواهد داشت. کشورهای عضو کنفرانس این حقوق

منابع

فارسی

- لباف، فریبا، حقوق فرزند از نظر قرآن و سنت، تهران، زهد، ۱۳۸۵.
- مکارم شیراز ناصری، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۷۴.
- مهرا، نسرین، «حمایت‌های حقوقی-کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، یادنامه دکتر شهیدی، شماره ۳۵، ۱۴۰۰.
- موسوی مقدم، محمد، حقوق شهروندی، چاپ اول، جلد اول، قم، نشر حقوق امروز، ۱۳۹۰.
- عربی**
- درگاهی، حسین؛ قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، جلد هشتم، چاپ دوم، تهران، نشر شمس‌الضحی وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری شمس‌الضحی، ۱۳۹۴.
- علامه حلی، حسین بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، جلد چهاردهم، چاپ اول، نشر مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۹.
- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، جامعه‌المدرسین فی الحوزه‌العلمیه بقم، مؤسسه النشرالاسلامی، ۱۳۷۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، مشهد، به‌نشر، ۱۴۰۰.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- ایروانی، جواد؛ عبادی، مهدی، بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک، تهران، مجد، ۱۳۹۱.
- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- زینالی، حمزه، «نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، رفاه اجتماعی»، دوره دوم، شماره ۷، ۱۴۰۱.
- صفایی، حسین، صفایی، اسدالله، حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، فسخ و طلاق، چاپ سی‌ودوم، تهران، نشر مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- طاهری، حبیب‌الله؛ قنبری کرمانشاهی، ثریا، «بررسی جرم کودک‌آزاری از دیدگاه قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه»، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره ۳، ۱۳۸۹.
- عباچی، مریم، «رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲، ۱۳۸۴.
- فرهادیان، رضا، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

لاتین

-Richards, John Waterbury; Melani Cammett and Ishac Diwan, eds. (4292).

- APoliticalEconomy of the Middle East. Third Edition. Boulder. CO: Westview Press.

- aries, p, (1962), centuries of childhood trans, r bladick, London, jonhatan capem,

- m. d. a, freeman, (1983), the right and wrongs of children, London, frances printer,

- <https://imamalicenter.se>



Fighting Child Poverty and Supporting Them Economically in Jurisprudence and the Convention on the Rights of the Child

Elham Toosian¹, Ali Pourghasab Amiri^{2*}, Alireza Jahangiri³

1. PhD Student of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Public International Law Department, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

3. Assistant Professor, Public International Law Department, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 219-234

Article history:

Received: 11 Des 2020

Edition: 23 Feb 2021

Accepted: 11 May 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

struggle, poverty, jurisprudence, Convention on the Rights of the Chi.

Corresponding Author:

Ali Pourghasab Amiri

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Damghan Branch, Public International Law Department.

Tel:

Email:

aliamiri20@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In the opinions of jurists, material support for children is highly emphasized. Supporting orphans and needy children, as well as the duties of parents towards children, are evidence of the importance of combating child poverty in jurisprudence. In the view of jurisprudence, paying child support is the responsibility of the father. As the head of the family, the father is obliged to pay support to family members. Providing housing, food, etc. are among the things that the father must do for his child. The main purpose of the research is to investigate how to combat child poverty and provide economic support for them in jurisprudence and the Convention on the Rights of the Child.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings show that protecting children as people who need the support of other segments of society has always been emphasized by custom and law. The issue of poverty and combating it is an issue that the whole world is involved in.

Conclusion: In the Convention on the Rights of the Child, children have the right to enjoy an adequate standard of living for their physical, mental, and... development; it is also the duty of governments to prevent the economic exploitation of children and any work that is harmful to them or causes interruption in their education or is harmful to the physical, mental, moral, and social health of children.

Cite this article as:

Toosian E, Pourghasab Amiri A, Jahangiri AR. Fighting Child Poverty and Supporting Them Economically in Jurisprudence and the Convention on the Rights of the Child. *Economic Jurisprudence Studies*.2021.